

## خواب دیدن

۱ - دانشمندان طبیعی اروپا برای رؤیا حقیقتی قائل نیستند و بحث از ارتباط آن با حوادث خارجی را واجد وزن علمی نمی‌دانند جز بعضی از روانشناسان که در باره آن تحقیقاتی کرده‌اند و علیه دسته اول بخوابهایی که پرده از امور پنهانی بر میدارد یا از حوادث آینده خبر میدهد، بطوری که نمیتوان آنها را حمل بر تصادف و اتفاق کرد. استدلال نموده اند .

در قرآن شریف خوابهایی از پیغمبران و جزایشان نقل و تصدیق شده است. از جمله خواب حضرت ابراهیم در باره ذبح اسماعیل ، خواب حضرت یوسف ، خواب رفقای زندانی آنحضرت ، خواب ملک مصر و خواب رسول اکرم (ص) را در باره فتح مکه میتوان نام برد و در روایاتی که از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده نیز شواهدی وجود دارد .

۲ - همه ما یا خودمان خوابهایی دیده‌ایم که دلالت بر امور مخفی یا حل مشکلات علمی یا وقوع حوادثی در آینده داشته و یا از دیگران این-

گونه خوابهارا شنیده ایم . این خوابهارا مخصوصاً خوابهای صریحی که احتیاج بتعبیر ندارد نمیتوان اتفاقی وبطور کلی بی ارتباط با جریاناتی که قابل انطباق با آنها است دانست .

البته نمیتوان انکار کرد که بعضی از عوامل درونی از قبیل امراض وانحرافات مزاجی وخستگی و پری شکم و همچنین پاره ای از عوامل بیرونی از قبیل گرماوسرما و دیگر چیزها در قوه خیال تأثیر دارد و قوه متخیله نیز در خواب مؤثر میباشد . مثلاً کسی که تحت تأثیر حرارت یا بروود شدید واقع شده در خواب آتشفای شعله ور یابرف ویخ میبیند و کسی که امتلاء معده وانحراف مزاج دارد خوابهای مشوش و بی سر و ته میبیند . همچنین اخلاقیات و صفات نفسانی نیز در رؤیا بی تأثیر نیست و بهدین جهت اکثر خوابها در اثر تخیلاتی است که اسباب داخلی وخارجی موجب آنها شده و در واقع نشان دهنده کیفیت تأثیر آن اسباب میباشد ودانشمندان طبیعی فقط همین اسباب را بررسی کرده اند و نتیجه گرفته اند که خواب حقیقتی ندارد ولی همانطور که تأثیر این اسباب را نمیتوان انکار کرد حقیقت داشتن پاره ای از رؤیایها و ارتباط آنها را با امور خارجی نیز نمیتوان انکار نمود .

۳ - کسی که خواب میبیند که در فلان روز فلان جریان واقع خواهد شد و در موقع بعین هم واقع میشود نمیتوان گفت که نفس او با حادثه ای که هنوز وجود نیافته ارتباط پیدا کرده است ، زیرا ارتباط وجودی بین موجود ومعدوم محال است وهمچنین کسی که خواب میبیند که در فلان مکان ظرفی چنین وچنان دفن است وفلان مقدار سکه طلا و نقره در آن موجود است وبعد از بیدار شدن بسراغ آنجا میرود وزمین را

میکند و ظرف را با همان خصوصیات می یابد نمیتوان گفت که نفس وی با آن ظرف اتصال داشته است زیرا اتصال نفس با امور مادی از راه حواس صورت میگیرد و ظرفی که با فاصله زیاد زیر خاک قرار گرفته قابل درک حسی نیست .

به همین جهت گفته اند که ارتباط نفس با اینگونه حوادث و اشیاء از راه اتصال بعقل و اسباب آنهاست .

توضیح آنکه : جهان هستی مشتمل بر سه عالم است : **عالم طبیعت** که با آن آشنائی کامل داریم ، **عالم مثال** که از نظر مرتبه وجود فوق عالم طبیعی است و موجودات آن صورتهای بی ماده ای هستند و نسبت به موجودات مادی جنبه علیت دارند و **عالم عقل** که فوق عالم مثال است و در آن حقایق موجودات بدون ماده و صورت موجودند و نسبت به موجودات عالم مثال جنبه علیت دارند .

نفس انسان بواسطه تجردش با عالم فوق طبیعت سنخیت دارد و در موقع خواب که اشتغال با دراکات حسی ندارد طبعاً بعالمی که با آن سنخیت دارد بر میگردد و بر طبق استعداداتش حقایقی از آن عالم را مشاهده میکند . نفس کامل که قدرت درک مجردات را با همان تجرد عقلی آنها دارد علل و اسباب را بنحو کلیت درک میکند ولی نفسی که بآن پایه از کمال نرسیده حقایق کلی را با صورتهای جزئی حکایت میکند چنانکه ما معنای سرعت کلی را با تصویر یک جسم سریع الحر که و معنای عظمت را با تصور کوه حکایت میکنیم و نفسی که هنوز بمرحله تجرد عقلی نرسیده در عالم مثال متوقف میشود و گاهی علل و اسباب اشیاء را در عالم مثال بهمان صورت واقعی مشاهده میکند و در آنها دخل و تصرفی نمینماید و این همان

خوابهای صریحی است که غالباً اهل صدق و صفا میبینند و گاهی وجودات مثالی را بصورتهایی که با آنها مانوس است درک میکند چنانکه علم را بصورت نور و جهل را بصورت ظلمت میبیند و حتی ممکن است ذهن از یک معنی بمعنای ضد آن منتقل شود .

از اینگونه خوابها همان خواب مشهوری است که نقل میکنند مردی نزد ابن سیرین معبر معروف آمد و گفت : خواب دیدم که مهری بدست دارم و دهان و عورت مردم را با آن مهر میکنم . ابن سیرین گفت : تو مؤذن میشوی و مردم با اذان تو روزه میگیرند و از خو، دن و آمیزش جنسی خود-داری میکنند .

از آنچه گفته شد بدست آمد که خواب برد و قسم است خواب صریح که نفس خواب بیننده تصرفی در مشاهدات خود نکرده و احتیاج بتعبیر ندارد ؛ و خواب غیر صریح که نفس در آنچه دیده تصرفاتی کرده و از این جهت احتیاج بتعبیر و بازگرداندن صورت ذهنی او بصورت حقیقی و اولی دارد مانند تعبیر نور بعلم و ظلمت بجهل و حیرت .

خوابهای غیر صریح نیز بدو دسته تقسیم میشوند : یکی خوابهایی که انتقال و حکایت در آنها روشن است و باسانی میتوان آنها را باصل برگرداند. مانند مثالهای گذشته ، و دیگر خوابهایی که تصرفات نفس در آنها پیچیده و مبهم است و یافتن مشهودات اصلی برای معبر سخت و یا غیر ممکن است . این دسته از خوابها همان خوابهایی است که آنها را «اضغاث احلام» می نامند و پوچ و بی تعبیر میدانند .

این خلاصه بحثی است که دانشمندان علم النفس قدیم در باره رؤیا کرده اند و در قرآن شریف مؤیداتی برای آن میتوان یافت . مثلاً موضوع

باز گشت نفس بعالم فوق طبیعت در حال خواب از این دو آیه استفاده میشود:

«هو الذی یتوفکم باللیل، (انعام - ۶۰) «الله یتوفی الانفس  
حین موتها والذی لم تمت فی منامها فیمسک الذی قضی علیها الموت  
ویرسل الآخری» (زمر - ۴۲)

ظاهر این آیات شریفه اینست که نفس در حال خواب از بدن گرفته  
میشود و تعلقش بحواس ظاهره قطع میگردد و باز گشت بسوی پروردگار  
میکند یک نحو باز گشتی که مشابه باز گشت آن در حال مرگ است.

همچنین باقسام سه گانه رؤیای نیز اشاراتی موجود است مثلاً خواب  
حضرت ابراهیم (ع) و خواب رسول اکرم (ص) از نوع اول و خواب  
رفقای زندانی یوسف از نوع دوم میباشد و بخوابهای پیچیده و مبهم نیز اشاره  
شده در آنجا که از معبرین مصر حکایت میکنند که خواب ملک را از  
اضغاث احلام دانستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بی آنکه لهجه‌های گوناگون را بحساب بیاوریم فقط شماره  
زبان‌هایی که بکلی باهم اختلاف دارند هر چند که ارزش و اعتبار  
آنها هرگز متساوی نیست قریب ۲۵۰۰ است...  
تقریباً ۲۵ زبان هست که تکامل کافی یافته و دارای  
اهمیت و اعتباری است «زبان‌شناسی و زبان‌فارسی ص ۳۰»